

## گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نور علی تابنده (محبوب‌علیه)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

در این سال جدید ما جشن‌ها و عیدهایی داشتیم و ان شاء الله همیشه زندگی‌تان با جشن و عید باشد و این تصوّر را بکنید که خداوند گفته است:

هر چه از دوست می‌رسد خوب است گر همه سنگ و گر همه چوب است  
همه چیز همیشه خوب است بنابراین در حال نشاط باشید. از وقایعی که خداوند فراهم کرده،  
راضی باشید، ان شاء الله تا خداوند موجب آسایش شما را فراهم کند. (برگرفته از گفتارهای عرفانی،  
عصر جمعه، تاریخ ۱۳۹۴/۳/۱ مطابق با سوّم شعبان ۱۴۳۶)

\*\*\*\*\*

در مسیر سلوک، هر درویشی حالات و چیزهایی می‌بیند که خودش می‌فهمد ولی نمی‌تواند بیان کند و نمی‌خواهد هم بیان کند. یک زبان دیگری است. البته بعضی‌ها را خداوند یک استعداد اضافی داده که آن استعداد به آنها امکان می‌دهد که یک مقداری از آن را بیان کنند و به هیچ وجه این بیان کردن حالاتی که سالک در طی سفر خودش می‌بیند، دلیل تکامل و کمالش نیست بلکه اگر خداوند بخواهد در یک لحظه همه‌ی این استعدادها می‌آید.

زندگی خود رسول ما ﷺ در مسیر مختلف از همین قبیل است. حضرت تا نزدیک چهل سالگی هیچ بیانی نداشت. یک شخصیت عادی بود که فقط ابوطالب می‌شناخت که این شخص بزرگوار است. بعد خداوند خودش به او فرمود: تو که نه یک خطی نوشته بودی، نه یک شعری خوانده بودی و یک مرتبه چنین شدی، این موهبتی است که خدا به تو جداگانه داد. بطوری که کتاب قطور یعنی قرآن که هیچ چیزش هم اضافه و زاید نیست را گفتی.

بعداً در بین سایر سلاک هم نظایری و مثال‌هایی از این بود. در مورد شمس تبریزی می‌گویند: یک بار استادش به شاگردانش گفت: حالات خودتان را بنویسید، بگویید. از همه پرسید، یکی یکی گفتند، شمس هیچی نگفت. استاد پرسید تو هیچ سیری نداشتی؟ گفت: خیلی داشتم ولی زبانی ندارم بگویم، بلد نیستم بگویم و از این جهت متأسفم. استاد به او گفت متأسف نباش. در عوض خداوند شاگردی را به تو خواهد داد یا تو را مأمور تربیت کسی خواهد نمود که ذهن تمام عرفا را به خودش جلب کند و این شمس وقتی آمد، مولوی را به اصطلاح قاپید. شکار معنوی کرد و تحت نظر خودش بود.

چند نفر عارفی که در درجه‌ی اوّل همه، آنها را می‌شناسند: حافظ، سعدی، مولوی، نظامی،

عرفای دیگری بودند، شعرایی هم بودند، هر کدام حالات مختلفی داشتند ولی شمس تبریزی شاگردی که پروراند، مولوی و این همه چیز بود، تمام حالات سلوک را گذراند و در هر مرحله‌ای گفت، حتی مثلاً در طئی سلوک، این حالت برایش پیش آمد، این شعر را گفت:

صد هزاران بار بُبریدم امید از که؟ از شمس. این زمن باور کنید

حتی چنین حالاتی هم که برایش رخ داده بود، گفت. به این جهت است که دیوان شمس یا به خصوص مثنوی از حالات مختلف داستان‌ها ذکر کرده است.

به هر جهت، ما این را نمی‌توانیم فقط دلیل این بگیریم که مثلاً مقام فلان کس بالاتر است و اصلاً تشخیص مقام، به عهده‌ی ما نیست و خداوند مقرر نکرده است که ما تشخیص مقامات را بدهیم. ان شاء الله خداوند سلوک ما را با لطف خودش انجام بدهد، ان شاء الله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۳/۲، جلسه برادران ایمانی)

\*\*\*\*\*

مثل اینکه خداوند ان شاء الله یک قدری از این دعا‌های ما را پسند کرده، کمی قبول کرده است. راهی که می‌رویم آسفالته نیست، آسفالته بود خرابش کردند یعنی سنگلاخ زیاد داشت حالا این سنگلاخ‌ها را کم کم ورچیدند و بهتر شده ولی از این بهتر شدن‌ها، نه باید مغرور بشویم و بگوییم این ما هستیم که چنین شد و نه فراموش کار بشویم که شکر خدا را یادمان برود. هر نفسی که می‌کشیم خداوند یک جان جدید به ما می‌دهد. جان، ادامه‌ی حیات از همین نفس کشیدن‌ها است به قول سعدی کسانی هستند که اینها تمام مراحل سلوک را خوب پیمودند، می‌گویند:

«هر نفسی که فرو می‌رود مُمدِّ حیات (امتداد دهنده‌ی حیات) است و چون برمی‌آید مفرّح ذات.» وقتی نفس درمی‌آید این سمومی که در اثر تنفس ایجاد شده، آنها را بیرون می‌دهد. چون فرو می‌رود ممدِّ حیات است. «پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.»

از دست و زبان که برآید کز عهده‌ی شکرش به درآید

حالا منظور، الان زندگی اجتماعی هم همینطور شده است. بعضی گشایش‌هایی فراهم شده که در ضمن همان گشایش، سختی و عسرت هم گذاشته‌اند که ما شاید متوجه نباشیم ولی این را بدانیم که شکر نعمت واجب است. آن نعمت‌ها، سختی‌هایی هم که در مسیر هست آنها را هم خداوند فراهم کرده است البته غالب آنها از دست و زبان خود ما برمی‌آید یعنی خودمان فراهم کردیم.

چون نیک نظر کرد پر خویش در آن دید گفتا ز که نالیم که از ماست که بر ماست

ان شاء الله خداوند به ما، هم توفیق شکر نعمت بدهد و هم درک و فهم سختی‌ها و منشأ آنها یعنی اراده‌ی الهی را درک کنیم، ان شاء الله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، تاریخ

۱۳۹۴/۳/۲، جلسه خواهران ایمانی)

ما می‌گوییم ولایت علی به ما رسیده (به ارث معنوی)، این سختی‌ها و مشکلاتی که در آن زمان مسلمین داشتند هم می‌رسد ولی شکر خدا را که خدا خودش می‌داند ماها ضعیف هستیم، به ما اینطور چیزها را نداده، یک خرده آسان‌تر کرده. از اداره ما را بیرون می‌کنند، نمی‌دانم، از این چیزهایی که می‌بینید ولی آن زجرهایی که به آنها دادند، به ما ندادند. خفیف‌ترین زجری که به ما دادند، یک زنی می‌گوید: شوهرم مخالف درویشی است، من نمی‌دانم چه کار کنم؟ کاری نباید بکنی، در دلت درویشی کن، احکام درویشی که نماز و روزه و همان احکام اسلامی است، خیلی دقیق انجام بده اگر شوهرت هم انجام نمی‌دهد، به او هم بتوپ، تو به او بتوپ، بگو تو چه مسلمانی هستی که نمازت را انجام نمی‌دهی؟! تو چه مسلمانی هستی که روزه‌ات را نمی‌گیری؟! چه مسلمانی هستی که به زن و بچه‌ات ترحم نمی‌کنی و...؟

خداوند به اندازه‌ی وسع و استطاعت‌مان به ما زجر داده. مثل آنکه مقدار زجری که داده، آنوقت‌ها عده کم بودند، سهم هر کدام زیاد بود. حالا عده ماشاءالله زیادند و هر روز هم زیادتر خواهند شد و می‌شوند ان‌شاءالله، زجرشان کمتر است.

البته بشر روی ترقی و تکاملی که در افکارش پیدا می‌شود، به تدریج همه‌ی بشر یک تفاوت‌های اخلاقی، دینی پیدا می‌کنند. در بشر امروز دیگر دیده نشده که نسبت به مخالف عقیده‌اش این خشونت را داشته باشد. خداوند اینکه وعده کرده که در آخرالزمان، همه یکی می‌شوند یعنی این مقدماتش را دارد خود خداوند فراهم می‌کند یعنی اینقدر درک و فهم و رحم و شفقت‌شان، همه زیاد می‌شود که نسبت به یک بنده‌ی خدا اینطور نمی‌کنند یا اگر بگوییم رحم و شفقت‌شان زیاد نمی‌شود، نه! رحم و شفقت‌شان عمومی می‌شود، منتها چیزی پیش می‌آید که بی‌رحمی و شقاوت همه جا جمع می‌شود، یک مرتبه بمبی می‌سازد که چند میلیون نفر کشته بشوند. به جای اینکه آن روز شکنجه می‌کردند و ده نفر را می‌کشتند. حتی به نظر من همانطوری که در آنوقت‌ها دخالت در قتل بزرگان گناه تلقی می‌شد، حالا هم شاید اینهایی که صریحاً در این امر دخالت می‌کنند، گناهکار باشند. کما اینکه آن خلبانی که بمب اتمی را روی هیروشیما در جنگ دوّم ریخت خودش از غصه مریض شد، دیوانه شد. حالا نمی‌دانم دیگر بعدش را یادم نیست، نخواندم چه شد؟ شما بنابراین، این زجرهای کوچک را تحمل کنید. بلکه می‌گوید: شُکراً لله که من را لایق اینقدر گوشمال اقلّاً دانسته. واجباتش را انجام بدهیم ولی مستحباتی که جنبه‌ی واجب هم دارد، هر چه توانستید انجام بدهید، نتوانستید نه! هیچکدام از اینها حکم شرعی را لغو نمی‌کند برای اینکه زن باید وقتی که جایی می‌رود، با اطلاع و با اجازه‌ی شوهرش باشد. این هم مصلحتی دارد، برای حفظ خانواده، این لازم است. به هر جهت، شما بگویید من فلان جا می‌روم. بگویید و بروید. دیگر اگر گفت: نه، دیگر نروید. نه اینکه «نه» در آن موقع برای شما به منظور امر است، سعی کنید که در محیط خانواده تا می‌توانید از طرف شما کوتاه بیایید. کوتاه بیایید که محیط خانواده متشنج نشود، داد و بیداد نکنید. بعد به تدریج همانطور که مسلمین

یک روزی از آن شکنجه‌ها راحت شدند ولی شیعه‌ها گرفتار شدند، یک روزی هم شیعه‌ها راحت شدند از آن، ما هم ان شاء الله راحت می‌شویم. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح یک‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۳/۳)

\*\*\*\*\*

من از بی‌نوایی نیم روی زرد غم بینوایان رخم زرد کرد  
گاهی اینقدر آرام زندگی در انسان زیاد می‌شود که به خصوص باید فکر کند این آرام از کجا آمده؟ اگر از خودش آمده باشد، باید آن مثل «خودم کردم که لعنت بر خودم باد» را بخواند و دیگر نکند. وقتی که آرامی که یک قصور آدم، یا یک تقصیر آدم، یا یک ضعف آدم را نشان می‌دهد جلوه کند، خیلی اثر می‌کند. وظیفه‌ی من، وظیفه‌ای که خداوند مقدر کرده و سهم من این است که همیشه منتظر اخبار خوب باشم، اخباری که حاکی از مودت فقرا، دوستی فقرا با هم است، بشنوم که البته در این مدت الحمدلله بطور کلی فقرا این را نشان دادند، الحمدلله.

ولی آنجا که با من است و مسائل مستقیمش من هستم، آنجا می‌بینم که خیلی شاید قصور من بوده یا هر چه هست هر گونه ناراحتی و گرفتاری معنوی که از فقرا ببینم و بشنوم، به خصوص در مسائل خیلی طبیعی و بدیهی است.

ان شاء الله خداوند خودش آن گفته‌ی ما را که باز هم نقل قول خودش است، بشنود که می‌گوییم: اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (سوره فاتحه، آیه ۶)، بفرماید: لیبیک، صراط مستقیم را نشانت می‌دهم ولی این صراط ان شاء الله به سوی بهشت باشد و نه شعبه‌ای از آن به سوی جهنم باشد. سعی کنیم در جهنم نباشیم، ان شاء الله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، عصر جمعه، تاریخ ۱۳۹۴/۳/۱، جلسه خواهران ایمانی)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (محبوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی / شرح رساله شریفه پند صلح / شرح فریاشات حضرت سجاد علیه السلام (شرح رساله حقوق) / شرح فریاشات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه) / جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس تقریری، امر به معروف و نهی از منکر) / جزوات رفع شبهات با کزیده‌هایی از بیانات / جزوات پرسش و پاسخ با کزیده‌هایی از بیانات / مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها) / مجموعه دستور العمل‌ها و بیانیه‌ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت و گوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت [WWW.JOZVEH121.COM](http://WWW.JOZVEH121.COM) اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت کزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال @jozveh121 در برنامه تلگرام پیوندید.